Research Article

Vol. 4, Issue. 3, December 2024 (P.91-106)

Journal of
Religious Research & Efficiency

The Beneficial Outcomes of Peace in Nahj al-Balagha and Its Discourse Construction in the Contemporary Era

Asghar Tahmasebi Boldaji[*1]

1. Assistant professor of the Quranic sciences and Hadith department Shahrekord university, Iran.

DOI: 10.22034/nrr.2025.63105.1365

URl: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19035.html

Corresponding Author:
Asghar Tahmasebi Boldaji

Email:
TAHMASEBIASGHAR
@sku.ac.ir

Received:2024/08/23

Detected:2024/12/01

Accepted: 2024/12/18

Available: 2024/12/19

Open Access

Keywords:
Imam Ali (a.s.), Nahj al-Balagha, discourse of peace, human rights, jihad, beneficial outcomes of peace

ABSTRACT

Peace, alongside jihad and war, is a crucial topic emphasized in Islamic teachings. The importance and status of peace, under specific conditions and circumstances, have been highlighted. Given the harms of war and its consequences, it is crucial to focus on peace, its outcomes, and how to institutionalize it at both micro and macro levels.This article, using a descriptive-analytical method, examines the ultimate outcomes of peace in the life of Imam Ali (a.s.). It also refers to the effects of peace in cognitive, guidance, social, and military aspects. A deep study of Imam Ali's governance reveals that he preferred tolerance and patience over war and suppression in dealing with his opponents. He endeavored through various means to prevent war. From Imam Ali's perspective, a peace that is pleasing to God provides security and social tranquility, prevents societal divisions, and can guide individuals who might otherwise be misguided and killed in war.The elucidation of Ali's teachings about peace and its outcomes in the contemporary era is of great importance. Firstly, it contributes to the correct introduction of true Islam at the international level, distancing it from extremist and deviant currents, and serving as a significant barrier against Islamophobia. Secondly, the discourse of peace and its strategic emphasis in Islamic societies is a crucial factor in fostering greater unity – through shared commonalities and reducing differences and conflicts – and can contribute to the formation of a global Islamic peace discourse.

مقاله پژوهشی

دوره ۴، شماره ۳، آذر ۱۴۰۳ (ص.۹۱-۱۰۶)

فصلنامه
دین پژوهی و کارآمدی

رهاوردهای صلح مطلوب در نهج البلاغه و گفتمان‌سازی آن در عصر حاضر

اصغر طهماسبی بلداجی[1*]

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهرکرد. شهرکرد. ایران.

DOI: 10.22034/nrr.2025.63105.1365

URl: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_19035.html

نویسنده مسئول:
اصغر طهماسبی بلداجی

ایمیل:
TAHMASEBIASGHAR@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:
امام علی(ع)، نهج‌البلاغه، گفتمان صلح، حقوق بشر، جهاد؛ رهاوردهای صلح مطلوب

چکیده

صلح، یکی از مباحث مهمّی است که در کنار جهاد و جنگ، در آموزه‌های دین اسلام مورد تأکید قرار گرفته و به اهمیّت و جایگاه آن در شرایط و ضوابط خود توجه شده است. با توجه به آسیب‌های جنگ و پیامدهای آن، توجه به صلح و نتایج آن و چگونگی نهادینه‌سازی‌اش در سطح خُرد و کلان، حائز اهمیّت است. مقاله حاضر با روش توصیفی – تحلیلی، به بررسی رهاوردهای غائی صلح در سیره امام علی(ع) می‌پردازد و در رویکردهای معرفتی، هدایتی، اجتماعی و نظامی به آثار آن اشاره می‌نماید. تعمّق در سیره حکومتی امام علی(ع)، این نکته را مشهود می‌سازد که امام(ع) در برخورد با مخالفان، گذشت و مدارا را بر جنگ و سرکوب ترجیح می‌دادند و از راه‌های مختلف تلاش می‌نمودند تا جنگی اتفاق نیفتد. از منظر امام علی (ع)، صلحی که رضایت خداوند در آن باشد، امنیّت و آرامش اجتماعی را فراهم می‌کند و مانع از تفرقه در جامعه می‌گردد و در شرایطی می‌تواند موجب هدایت افرادی گردد که ممکن است در شرایط گمراهی در جنگ کشته شوند. تبیین آموزه‌های علوی درباره صلح و رهاوردهای آن در عصر حاضر، حائز اهمیّت است؛ اول این‌که در عرصه بین‌الملل، به معرفی صحیح اسلام حقیقی، به‌دور از جریان‌های افراطی و تفریطی، کمک می‌نماید و مانع مهمّی در مقابل شبهات اسلام‌هراسی می‌گردد. دوم آن‌که، گفتمان صلح و توجه راهبردی به آن در جوامع اسلامی، عامل مهمّی در وحدت فزون‌تر – در پرتو اشتراکات و تقلیل اختلافات و جنگ – می‌شود، همچنان‌که می‌تواند به شکل‌گیری گفتمان صلح اسلامی در سطح جهانی کمک نماید.

۱- مقدمه

جنگ و صلح، از مباحثی مهمی هستند که در آموزه‌های قرآنی و روایی، به اهمیّت و جایگاه هر کدام در شرایط و ضوابط خود اشاره شده است. تبارشناسی این موضوع در اسلام، به زمان پیامبر (ص) و مواجهه ایشان با مشرکان مکه می‌رسد؛ چگونگی و چرایی جهاد و صلح همواره از همان آغاز، در آموزه‌های دینی مورد تاکید قرار گرفته است. گرچه اصل اولی در اسلام، صلح است و آیات و روایات متعدد بر تقدم صلح بر جنگ دلالت دارند(نک:برزنونی، ۱۳۸۴: ۷۳-۱۵۷) اما هر دویِ جنگ و صلح در جای خود و بنا به اقتضائات مورد نیاز است و هر کدام بر محور منافع و مصالحی می‌تواند نقش‌آفرینی داشته باشد. اسلام؛ دین اعتدال، و اساس آن بر پایه نظم الهی است که هر چیز در جای خود نیکوست اما فارغ از پیوند پارادوکسی این دو مقوله، وجه اشتراکی نیز می‌توان برای آنها بیان نمود: فراهم نمودن زمینه سعادت و هدایت انسان‌ها و زندگی در پرتو امنیّت، اشتراک غایی جنگ و صلح است. جهاد با مشرکان و ظالمان، از آن جایی است که حق هدایت و زندگی سعادتمند را از انسانهایی که خواهان هدایت هستند، گرفته‌اند و صلح نیز در مواردی به این جهت است که زمینه هدایت و سعادت دیگر انسان‌ها فراهم گردد تا در گمراهی از دنیا نروند. این مهم، در سیره امام علی (ع) مشهود است؛ زمانی‌که سپاهیان معاویه به یکی از شهرهای تحت ولایت امام علی (ع) حمله می‌کنند و به زنان مسلمان و غیر مسلمان اهانت می‌نمایند؛ امام علی (ع) خطبه جهاد را برای مسلمانان ایراد می‌کند و در آن خطبه، مسلمانان را از این هتک حرمت مورد توبیخ قرار می‌دهند(نک: شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه۲۷) توجه به این مهم، حاکی از آن است که جهاد برای حفاظت از امنیّت و زمینه‌سازی سعادت برای تمامی انسانها مقرّر شده است؛ خواه مسلمان باشد یا غیرمسلمان؛ تعبیر:«أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْأُخْرَى الْمُعَاهِدَةِ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قُلُبَهَا» در این خطبه، حاکی از این مطلب است. از سوی دیگر، امام(ع) در نبردِ صفین، جنگ را به تاخیر می‌اندازد تا اینکه یاران به ایشان اعتراض می‌کنند، امام(ع)، غایت ترجیح صلح بر جنگ و تاخیر آن را اتمام حجّت و فراهم شدن زمینه هدایت گمراهان بیان می‌کند.(نک: همان: خطبه۵۴) بنابراین، فراهم نمودن زمینه هدایت، سعادت و زندگی در پرتو امنیت، غایت جنگ و نیز صلح است. مقاله پیش‌رو با روش توصیفی – تحلیلی، مقوله صلح و رهاوردهای غائی آن را در سیره امام علی(ع) مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و به رهاوردهای آن در ابعاد مختلف اشاره می‌کند. موضوع "صلح در آموزه‌های دینی"، پیش‌تر در پژوهش‌های هم‌راستا مورد بررسی قرار گرفته است؛ برخی از پژوهشگران، در صدد تبیین این موضوع بر آمده‌اند که کدام‌یک از جنگ و صلح در اسلام بر دیگری ترجیح دارد. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش اخیر، این است که در ارجحیت جنگ بر صلح در اسلام، مسئله حکومت محوریت دارد؛ به گونه ای که در روابط مسلمانان با حکومت شرک، اصل با جنگ و در روابط مسلمانان با آحاد مشرکان و کافران، اصل با صلح است.(نقی زاده اکبری، حسینی فاضل، ۱۳۹۲: ۱) برخی دیگر از پژوهش ها، در راستای سیره امیرالمؤمنین(ع) در مقوله صلح نگاشته شده‌اند، هر چند محوریت آن‌ها صلح نبوده است. هر یک از این

مقاله‌ها- از زاویه‌ای- به سیره امام علی(ع) در ارتباط با مخالفان و ترجیح صلح و مدارا با آنان نگریسته‌اند. مقاله‌های: سبک تعامل با اقلیت های مذهبی(گل‌محمدی، ۱۳۹۶: ۱۰۳)، اخلاق در جهاد(پهلوان، احمدی آشتیانی، ۱۳۹۵: ۲۳)، رفتارشناسی امام علی(ع) با اولین مخالفان داخلی حکومت اسلامی(شیردل، فتاحی زاده، جانی پور، ۱۳۹۶: ۴۵) و الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع)(فرخی، احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۳) از جمله پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله پیش‌رو است. مقاله حاضر- ضمن توجه به پژوهش‌های مزبور- از دو جهت با آنها تمایز دارد: ۱- به رهاوردهای غائی صلح در سیره امام علی(ع) اشاره نموده، که تاکنون پژوهشی در این باره نگاشته نشده است؛ ۲- با محوریت تحولات عصر حاضر، راهبردهای گفتمان‌سازی صلح با تکیه بر سیره امام علی(ع) در جوامع اسلامی و جهانی را مطرح می‌کند.

۲- غایت شناسی جهاد در اسلام و ارتباط آن با صلح

جهاد در اسلام، یکی از مباحث مهمّ در تلقّی قرآن و سنّت است. آیات و روایات مهمّی در این باره وجود دارد که بر اهمیّت جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان خداوند تاکید می‌نماید چنانکه در موضعی فرموده است: «قاتِلُوا الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ لا یُحَرِّمُونَ ما حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ لا یَدینُونَ دینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ حَتَّی یُعْطُوا الْجِزْیَةَ عَنْ یَدٍ وَ هُمْ صاغِرُونَ»(توبه/۲۹). امام علی (ع) نیز جهاد را لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند بیان می‌کند که در صورت ترک آن، ذلّت و خواری نصیب انسان می شود: «وَ هُوَ لِبَاسُ التَّقْوَی وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِینَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثِیقَةُ فَمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَ شَمِلَهُ الْبَلَاءُ وَ دُیِّثَ بِالصَّغَارِ وَ الْقَمَاءَةِ وَ ضُرِبَ عَلَی قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدِیلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْیِیعِ الْجِهَادِ وَ سِیمَ الْخَسْفَ وَ مُنِعَ النَّصَفَ»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۷). با دقت در این کلام امام علی (ع)، مشخص می شود که جهاد یکی از مهم‌ترین عوامل عزّت‌بخشی به مسلمانان و مانع خواری و ذلّت آنان است.

سوال اساسی در این‌باره این است که ارتباط جهاد و صلح در اسلام چیست؟ زیرا علاوه بر گزاره‌های دینی مربوط به جهاد، آیات و روایات فراوان دیگری نیز درباره صلح وجود دارد؛ کدام یک، در اسلام بر دیگری مقدّم است؟ از جمله آیات قرآن درباره صلح، آیات ذیل است:

«فَإِنِ اعْتَزَلُوکُمْ فَلَمْ یُقاتِلُوکُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَیْکُمُ السَّلَمَ فَما جَعَلَ اللَّهُ لَکُمْ عَلَیْهِمْ سَبیلاً»(نّساء / ۹۰)

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ»(انفال / ۶۱)

با تأمل و تدبّر در آیات و روایات، این نکته کلیدی مشخص می‌شود که غایت دین اسلام، سعادت و کمال بشریّت است و برای فعلیت‌بخشی به این غایت، از راهبردهای متناسب با اقتضائات بهره می‌برد؛ غایت جهاد، تحقّق صلح و آرامش و فراهم شدن زمینه سعادت و امنیّت برای انسان‌ها است. دقت در آیات قرآن، روشن می‌سازد که غایت جهاد همان صلح است؛ از جمله:«وَ ما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ

وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیراً»(النّساء/۷۵). در این آیه مبارکه، خداوند مؤمنان را توبیخ می‌کند چرا افراد ستمدیده و مستضعف را که نمی‌توانند آزادانه مسیر سعادت خود را انتخاب کنند، از دست ظالمان رها نمی‌کنند؟ غایت جهاد در این آیه، تلاش برای برقراری عدالت و رهاندن بندگان خدا از ظلم است؛ «وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَةٌ وَ یَکُونَ الدِّینُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلا عُدْوانَ إِلاَّ عَلَی الظَّالِمینَ»(البقره/۱۹۳) این آیه مبارکه نیز بر جهاد و مبارزه با مشرکانی تأکید دارد که هدف آن‌ها خودخواهی و رسیدن به منافع پلید خود در سایه نابودی دیگران و ایجاد ناآرامی برای دیگر انسان ها است؛ کسانی که نمی‌خواهند دیگر انسان‌ها نیز راه سعادت را طی کنند و آرزو دارند تا مؤمنان نیز مشرک شوند، چنان‌که در آیه دیگر به این مطلب اشاره شده است: «وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُمْ حَتَّی یَرُدُّوکُمْ عَنْ دینِکُمْ إِنِ اسْتَطاعُوا»(بقره/۲۱۷). مطهری در این‌باره می‌گوید: «اسلام هم دین جنگ است و هم دین صلح، هم قانون جنگ دارد هم قانون صلح و هر کدام در جای خود و در شرایط ویژه خود موضوعیت می یابد.» (مطهری، ۱۳۶۷: ۷۸) بنابراین، غایت جهاد در اسلام برقراری صلح و امنیّت و رهایی انسان‌ها از ستم و ظلم است. این روش اسلام است که از قرآن و سنّت معصومان(ع) استنباط می‌شود. تبیین درست این مسئله در گفتمان اسلام برای معاصرین- با وجود فرقه های انحرافی- حائز اهمیّت است، چرا که می‌تواند اسلام ناب را به جهان معرفی کند و برای آنان روشن سازد که اسلام، دین اعتدال و انعطاف بوده و از هرگونه تفریط و افراط به‌دور است و چاره کار را هم در صلح و هم در جهاد می‌داند و هیچ‌یک را فدای دیگری نمی‌کند.

۳. رهاوردهای غائی صلح در سیره امام علی(ع)

در سیره علمی و عملی امام علی(ع)، صلح ثمرات فراوانی دارد و منظور از این صلح، صلحی است که به اسلام و مسلمانان ضربه نزند بلکه در جهت اهداف غائی اسلام باشد. مهم‌ترین رویکردهای غائی صلح در سیره امام علی(ع) را می‌توان در موارد زیر فهرست نمود:

۳-۱. رویکرد معرفتی

یکی از مهم‌ترین اهداف صلح در آموزه‌های علوی، کسب رضای الهی است .این اصل، زیربنای تمامی رویکردهای صلح‌جویانه در این آموزه‌ها محسوب می‌شود؛ چرا که هر عمل و نیت اعتقادی، بر اساس رضایت خداوند معنا می‌یابد و هدف نهایی آن، کسب رضوان الهی است. این اصل اساسی، در قرآن کریم نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است: «قُلْ إِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»(انعام /۱۶۲؛همچنین نک: مائده /۱۶؛ توبه/ ۱۰۰ و ۱۰۹؛ فتح/۲۹؛ مجادله/۲۲؛ حشر/۸ ؛ بینه/ ۸) بر این اساس، پایه و اساس هر چیزی در اسلام، جلب رضایت خداوند است و مقوله‌های جنگ و صلح نیز از این قاعده استثناء نیستند. در بینش امام علی (ع)، که بر پایه قرآن و سنت پیامبر (ص) استوار است، هدف نهایی صلح باید رضایت خداوند باشد. امام

علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَ لَا تَدْفَعَنَّ صُلْحاً دَعَاکَ إِلَیْهِ عَدُوُّکَ و لِلَّهِ فِیهِ رِضًا»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه۵۳). عبارت «لله فیه رضا» به روشنی بیان می‌دارد که اگر صلحی، منافع و مصالحی داشته باشد که به رضایت خداوند منتهی شود، باید بر جنگ ترجیح داده شود. حتی اگر جنگ منافع مادی یا شخصی در پی داشته باشد، باز هم صلحی که رضای الهی را در پی داشته باشد، برتر است چنان‌که برخی مفسران نهج‌البلاغه نیز اشاره کرده‌اند، این عبارت به صلحی عادلانه اشاره دارد؛ صلحی که نه به زیان اسلام و مسلمانان باشد و نه به زیان دشمن. صلحی که عادلانه و سودمند باشد. این تعبیر همچنین به ما یادآور می‌شود که گاه برخی افراد افراطی و تندرو، حتی زمانی که رضای خدا در صلح باشد، با آن مخالفت می‌کنند. صلح حدیبیه نمونه‌ای بارز از این دست است که برخی از مسلمانان در ابتدا با آن مخالفت کردند، اما در نهایت به اشتباه خود پی بردند.(مکارم شیرازی، ۱۳۶۸: ج۱۰۹/۱۱) بدون شک، صلحی که منافع جامعه اسلامی را تأمین کند، اسلام و مسلمانان را تقویت نماید، از خونریزی و ناامنی جلوگیری کند و حتی زمینه جذب غیرمسلمانان به اسلام را فراهم آورد، قطعا رضایت خداوند را در پی دارد و بر هر جنگی، حتی جنگی با پیروزی ظاهری، برتر است.

۳-۲. رویکرد هدایتی

یکی از مهم‌ترین اهداف غایی صلح در بینش امام علی (ع)، هدایت انسان های ناآگاه است که مبادا قبل از اتمام حجّت، به مرگ جاهلیت از دنیا بروند. این مهم، اصلی‌ترین و مهم‌ترین رویکرد غائی صلح و خودداری از جنگ است. تدبّر در سیره قرآنی پیامبر رحمت (ص)، توجه تام ایشان به هدایت انسان‌ها و بیداری فطرت آنان از کفر و جهل را نشان می‌دهد تا بدآنجا که به تعبیر قرآن، از تلاش ایشان در هدایت مردم، نزدیک است جان مبارکشان را از دست بدهند: «لَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ أَلاَّ یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ»(شّعراء/ ۳)

سیره و روش زندگی امام علی (ع) همچون سیره پیامبر اکرم (ص)، بر محور هدایت انسان‌ها و رهایی آنان از شرک و گمراهی می‌چرخید. آن حضرت همانند پیامبر اکرم (ص)، هدایت و ارشاد مردم را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دادند.یکی از توصیه‌های مهم پیامبر اکرم (ص) به امام علی (ع) در هنگام ماموریت به یمن، تاکید بر اهمیت هدایت مردم بود. آن حضرت می‌فرمودند که هدایت حتی یک نفر، ارزشی والاتر از تمام نعمت‌های دنیوی دارد، به گونه‌ای که هدایت یک انسان از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، بهتر است.[۱](حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج۴۳/۱۵). در سیره امام علی (ع)، هدایت انسان‌ها و بیداری آنان از خواب غفلت، همواره بر هر امر دیگری مقدم شمرده می‌شد. ایشان حتی در جریان جنگ‌ها نیز، پیش از آغاز درگیری، تمام تلاش خود را برای هدایت دشمن و آگاه‌سازی آنان از حقانیت به کار می‌بردند. امام علی (ع) بر این باور بودند که جنگ آخرین راه

۱- «یَا عَلِیُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَداً حَتَّی تَدْعُوَهُ إِلَی الْإِسْلَامِ- وَ ایْمُ اللَّهِ لَأَنْ یَهْدِیَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیْرٌ لَکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَکَ وَلَاؤُهُ یَا عَلِی»

حل است و باید تا آخرین لحظه برای برقراری صلح و هدایت مخالفان کوشید. یکی از مهم‌ترین اهداف صلح در اندیشه امام علی (ع)، هدایت انسان‌های گمراه و نجات آن‌ها از آتش جنگ و عذاب الهی است. ایشان می‌خواستند تا همه انسان‌ها فرصت آشنایی با حق و حقیقت را پیدا کنند و به سوی سعادت و کمال هدایت شوند. در ادامه این نوشتار، به بررسی عملی این رویکرد غائی حضرت(ع) در جنگ‌های مختلفی که با آن‌ها مواجه بوده‌اند، خواهیم پرداخت.

۳-۲-۱. ارشاد مخالفان در جنگ جمل

جنگ جمل یکی از جنگ‌های زمان خلافت امیرالمؤمنین(ع) بود که در پی خیانت گروهی از صحابه به نام بیعت‌شکنان رخ داد. این افراد با وجود بیعتی که با امام علی (ع) داشتند، به دلیل طمع‌ورزی و حبّ دنیا، بر امام بر حق قیام کردند. انگیزه اصلی آن‌ها از این شورش، حفظ منافع شخصی و قدرت‌طلبی بود. اقدامات این گروه در بصره بسیار فجیع بود، تا جایی‌که والی امام(ع) در بصره را با شکنجه و آزار اخراج کردند و بسیاری از حامیان امیرالمومنین(ع) را به شهادت رساندند.(ابن ابی الحدید، بی تا: ج۳۲۱/۹). بر اساس گزارش شیخ مفید، نزدیک به چهل نفر از اسیران جنگ جمل به دست زبیر بن عوام به شهادت رسیدند.(مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸۱) امام علی (ع) با وجود ستمکاری این گروه، صلح را بر جنگ ترجیح دادند و پیش از آغاز جنگ جمل، بارها تلاش کردند تا با گفتگو و منطق، مخالفان خود را به راه راست هدایت کنند. ایشان از راه‌های مختلف سعی در انصراف آنان از جنگ داشتند. زمانی که امام (ع) به سوی سپاه دشمن حرکت می‌کرد، رفاعه بن رافع از ایشان پرسید که قصدشان از این حرکت چیست. امام (ع) در پاسخ فرمودند: «من قصد اصلاح دارم و می‌خواهم با گذشت از حق خود، آنان را راضی کنم. اما اگر نپذیرفتند، از خود دفاع خواهم کرد.[۱](ابن ابی الحدید، بی تا: ج۱۷/۱۴). امام علی (ع) با یادآوری حدیث پیامبر (ص) به زبیر[۲](ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ج۱/ ۹۲)؛ یادآوری حدیث غدیر به طلحه[۳](فیروزآبادی، ۱۴۱۰: ج۳۵۳/۱)؛ ارشاد و هدایت آنان با قرآن(مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۳۶)؛ نصیحت دلسوزانه(ابن قتیبه ۱۴۱۰ ق: ج۱/ ۹۵) و امان نامه دادن و تضمین امنیّت آنان(همان: ۳۶۵) سعی نمودند تا این گروه را از فرجام بدشان

---

۱. فقام إليه رفاعة بن رافع فقال يا أمير المؤمنين أی شیء ترید و أين تذهب بنا قال أما الذی نريد و ننوی فإصلاح إن قبلوا منا و أجابوا إليه قال فإن لم يقبلوا قال ندعوهم و نعطيهم من الحق ما نرجو أن يرضوا به قال فإن لم يرضوا قال ندعهم ما تركونا قال فإن لم يتركونا قال نمتنع منهم قال فنعم إذا.

۲. «يا زبير إنک تقاتل عليا و أنت له ظالم؟ قال: اللهم نعم، قال علیّ عليه السلام: فعلام تقاتلنی؟ قال الزبير: نسيتها و اللّه لو ذكرت ما خرجت اليک و لا قاتلتک»

۳. «روی بسنده عن رفاعة بن أياس الضبی عن أبيه عن جده قال: كنا مع علی عليه السلام يوم الجمل فبعث إلی طلحة بن عبيد اللّه أن القنی، فأتاه طلحة فقال: نشدتک اللّه هل سمعت رسول اللّه صلی اللّه عليه (و آله) و سلم يقول: من كنت مولاه فعلیّ مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟ قال: نعم، قال: فلم تقاتلنی؟ قال: لم أذكر، قال: فانصرف طلحة»

بازگرداند و مانع از شکل گیری جنگ شود. امام علی (ع) قبل از شروع جنگ، در نامه به طلحه و زبیر از آنان می‌خواهد که از کار خود توبه نمایند: «كُنْتُمَا بَايَعْتُمَانِي طَائِعَيْنِ فَارْجِعَا وَ تُوبَا إِلَى اللَّهِ مِنْ قَرِيبٍ»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه۵۴). امام(ع)، نتیجه و عاقبت کار ناپسند این افراد را به آنان گوشزد می نماید تا شاید متنّبه شده و از کار زشت خود بازگردند: «فَارْجِعَا أَيُّهَا الشَّيْخَانِ عَنْ رَأْيِكُمَا فَإِنَّ الْآنَ [أَعْظَمُ] أَعْظَمُ أَمْرِكُمَا الْعَارُ مِنْ قَبْلِ أَنْ [يجْتَمِعَ] يَتَجَمَّعَ الْعَارُ وَ النَّارُ وَ السَّلَام»(همان). رویکرد هدایتی امام علی (ع) تنها به پیش از جنگ‌ها محدود نمی‌شد. ایشان حتی پس از پیروزی در جنگ جمل نیز، به جای انتقام‌جویی و مجازات اسرا، به دنبال اصلاح و هدایت آنان بودند؛ چنان‌که به دو تن از پسران عثمان، به نام‌های "سعید" و "ابان"، امان‌نامه می‌دهد و خطاب به آنان می‌فرماید: «از گمراهی خود دست کشید و هر کجا که تمایل دارید بروید و اگر می‌خواهید، نزد من بمانید تا با شما صله رحم نمایم.»(مفید ۱۴۱۳: ۳۸۲). این رویکرد، نشان‌دهنده اوج رحمت و مهربانی در اسلام ناب محمدی است و تصویری روشن از حقوق بشر واقعی را به نمایش می‌گذارد.

۳-۲-۲. ترجیح هدایت بر جنگ در جنگ صفّین

یکی دیگر از جنگ‌های تحمیلی بر امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران خلافت ایشان، جنگ صفین بود که به دلیل دنیاطلبی معاویه و ظلم او آغاز شد. علی‌رغم آشکار بودن انحراف معاویه، امام (ع) در چندین نامه او را به بازگشت از راه باطل و پرهیز از گمراه کردن دیگران دعوت کرد.(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۱۰). در نامه دیگر، حضرت با یادآوری عواقب اعمال و هشدار درباره عذاب الهی، معاویه را از ادامه راه فساد و جنگ برحذر داشت (همان: نامه ۵۰) این همه خیرخواهی، در حالی بود که امام (ع) از باطل بودن راه معاویه آگاه بود و می‌دانست که او تنها به دنبال دنیا و مخالفت با اسلام است. با این حال، حضرت همواره به دنبال هدایت افراد گمراه بود و حتی در جنگ صفین، با وجود بیعت‌شکنی شامیان، تلاش کرد تا از آغاز جنگ اجتناب کند و فرصتی برای بازگشت آن‌ها به راه حق فراهم آورد. ایشان با این کار نشان دادند که به دنبال صلح هستند و حتی امیدوار بودند که تعداد کمی از شامیان به راه راست بازگردند و با گمراهیِ خودخواسته از دنیا نروند؛ بر همین اساس، زمانی که یاران امام(ع) درباره تأخیر جنگ به ایشان اعتراض می‌کنند، حضرت در پاسخ می‌گوید: «وَ أَمَّا قَوْلُكُمْ شَكّاً فِي أَهْلِ الشَّامِ فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْماً إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشُوَ إِلَى ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبُوءُ بِآثَامِهَا»(همان: خطبه ۵۴). در جریان جنگ صفین، زمانی که یاران امام علی (ع) به دشنام گفتن دشمنان روی آوردند، اوج تدبیر تربیتی آن حضرت آشکار شد. امام به جای تشویق به لعن و نفرین، راهبرد مهم دعا را پیش روی یاران خود قرار داد. پس از آنکه تمام تلاش‌های امام برای هدایت دشمنان با موعظه و نصیحت بی‌نتیجه ماند، ایشان به یاران خود آموخت که برای هدایتی گسترده‌تر و تبدیل جنگ به صلح دعا کنند. این رویکرد امام علی (ع) را می‌توان بنیانگذار بسیاری از اصول حقوق بشری دانست. امام علی

(ع)، از یاران خود می‌خواهد برای هدایت دشمنان و تبدیل جنگ به صلح دعا نمایند. این هدایت، به‌قدری اهمیت دارد که امام(ع) حتی در دعا نیز بر آن تاکید نموده و می‌فرماید: «إِنِّی أَکْرَهُ لَکُمْ أَنْ تَکُونُوا سَبَّابِینَ وَ لَکِنَّکُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَکَرْتُمْ حَالَهُمْ کَانَ أَصْوَبَ فِی الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِی الْعُذْرِ وَ قُلْتُمْ مَکَانَ سَبِّکُمْ إِیَّاهُمْ اللَّهُمَّ احْقِنْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَصْلِحْ ذَاتَ بَیْنِنَا وَ بَیْنِهِمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّی یَعْرِفَ الْحَقَّ مَنْ جَهِلَهُ وَ یَرْعَوِیَ عَنِ الْغَیِّ وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهِجَ بِه»(همان: خطبه۲۰۶). ابن ابی الحدید در تفسیر این خطبه، پس از نقد دیدگاه کسانی که لعن را در اسلام جایز نمی‌دانند، با استناد به آیات قرآن، لعن را در موارد خاص جایز می‌شمارد. او سپس دلیل نهی امام علی (ع) از لعن در جنگ صفین را، دشنام گفتن یارانش به دشمنان بیان می‌کند و بر خیرخواهی امام نسبت به دشمنان تأکید می‌نماید.(ابن ابی الحدید، بی تا: ج۲۴/۱۱-۲۲). بنابراین در جنگ صفین نیز هدف نهایی جنگ، نه کشتار و خونریزی، بلکه هدایت گمراهان و برقراری صلح است.

۳-۲-۳. انذار خوارج پیش از جنگ نهروان

یکی دیگر از جنگ‌هایی که بر امام علی (ع) تحمیل شد، جنگ نهروان با خوارج بود. نکته قابل توجه در این جنگ، تلاش امام علی (ع) برای برقراری صلح و جلوگیری از خونریزی است. هدف امام از این تلاش، نه تنها پیروی مطلق خوارج از ایشان، بلکه آگاه‌سازی آن‌ها از اشتباهشان و نجاتشان از جنگ و کشتار بود. امام علی (ع) با روش‌های مختلف سعی کردند تا خوارج را از خطای خود آگاه سازند؛ این روش‌ها را می‌توان چنین بیان نمود:

۱- فرستادن افراد مختلف جهت توجیه خوارج، که مهمترین آنها ابن‌عباس بود.(ابن اعثم، ۱۴۰۶ق: ج۲۶۸/۴)

۲- رفع شبهه برای خوارج: امام(ع) در مواضع گوناگونی، شبهه خوارج درباره حکمیت را متذکر می‌شود؛ از جمله: تذکر به حقانیت خود و ایمان و جهاد خود در رکاب پیامبر(ص):«بَعْدَ إِیمَانِی بِاللَّهِ وَ جِهَادِی مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص أَشْهَدُ عَلَی نَفْسِی بِالْکُفْرِ لَقَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِین»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه۵۸)؛ تبیین پیشینه حکمیت و اشتباه خود خوارج در این باره و عدم اهتمام آنان به نظر امام(ع): «وَ قَدْ کُنْتُ نَهَیْتُکُمْ عَنْ هَذِهِ الْحُکُومَةِ فَأَبَیْتُمْ عَلَیَّ إِبَاءَ [الْمُخَالِفِینَ] الْمُنَابِذِینَ حَتَّی صَرَفْتُ رَأْیِی إِلَی هَوَاکُم»(همان: خطبه۳۶)؛

۳- سومین راهبرد امام(ع) در هدایت و جلوگیری از وقوع جنگ تنبّه به آینده ذلت بار آنان است:«أَمَا إِنَّکُمْ سَتَلْقَوْنَ بَعْدِی ذُلًّا شَامِلًا وَ سَیْفاً قَاطِعاً وَ أَثَرَةً یَتَّخِذُهَا الظَّالِمُونَ فِیکُمْ سُنَّة»(همان: خطبه۵۸)؛

۴- چهارمین راهکار امام(ع)، بُعد روان‌شناختی دارد؛ امام(ع) با بیان حقیقت و صدق نیت خود نسبت به خیرخواهی خوارج، بر قوه احساس و عاطفه آنها تاثیر می‌گذارد: «فَأَنَا نَذِیرٌ لَکُمْ أَنْ تُصْبِحُوا صَرْعَی بِأَثْنَاءِ

هَذَا النَّهَرِ وَ بِأَهْضَامِ هَذَا الْغَائِطِ عَلَى غَيْرِ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَا سُلْطَانٍ مُبِينٍ مَعَكُم»(همان: خطبه۳۶). تعبیر« فَأَنَا نَذِيرٌ لَكُمْ» این حقیقت را بیان می کند.

امام(ع) به یاران خود دستور داد که به هیچ وجه جنگ را شروع نکنند؛ تا آن که خوارج، سه مرتبه به سمت سپاه امام(ع) تیراندازی نمودند و حتی برخی از یاران امام(ع) را به شهادت رساندند و این زمان بود که امام علی(ع) دستورجنگ را صادر فرمود.(ابن ابی الحدید، بی تا: ج۲/ ۲۷۳-۲۷۲). تلاش امام(ع) قبل از شروع جنگ برای هدایت این گروه و تقدیم صلح بر آن منجر به هدایت هشت هزار نفر از خوارج می شود. آن گونه که ابن اعثم گزارش می دهد تنها چهار هزار نفر از سپاه دوازده نفری خوارج در مقابل امام(ع) ایستادند و بقیه هدایت شدند.(ابن اعثم، ۱۴۰۶ق: ج۴/۲۷۰). این مسئله نشان می‌دهد که هدف اصلی امام علی (ع) از جنگ، نه کشتار، بلکه هدایت گمراهان بوده است.

۳-۳. رویکرد اجتماعی

جامعه، مجموعه به هم پیوسته ای است که هر خیر و شرّی مجموع آن را تحت تاثیر قرار می دهد؛ همانند اعضای بدن که هر عضوی دیگر اعضاء را متاثّر می‌کند. مقوله جنگ و صلح نیز از این اصل جدا نبوده و هر کدام جامعه را در سطح خُرد و کلان تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. در بینش امام علی (ع)، صلح و تقدّم آن بر جنگ در حیطه اجتماعی نیز مبتنی بر اهدافی غائی است که آثار آن در جامعه نمایان می‌شود؛ از جمله:

۳-۳-۱. تأمین امنیّت جامعه

برقراری امنیّت در هر جامعه‌ای، از امور ضروری است. جامعه ای که در آن امنیّت نباشد، آسیب‌ها و مشکلات فراوانی پیش‌روی مردم آن جامعه قرار می‌گیرد و زندگی مبتنی بر نشاط و جاذبه از آن جامعه رخت بر می بندد. در آموزه‌های دین اسلام، بر اهمیّت امنیّت بسیار تأکید شده است؛ چنانچه در روایتی از پیامبر رحمت(ص) آمده است:«نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ»(صدوق، ۱۳۶۲ش: ج۶۲/۱). امنیّت را می‌توان از رویکردهای غایی جهاد و صلح بیان داشت زیرا جهاد نیز برای مقابله با تجاوز دشمنان داخلی و خارجی جامعه شکل می‌گیرد تا امنیّت برقرار شود؛ در همین رابطه امام علی (ع)، یکی از اهداف حکومت خود را تأمین امنیّت برای مظلومان بیان می‌کند:«فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِك»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۳۰)

از نتایج برقراری صلح نیز امنیّت است؛ زیراجنگ به همراه خود ناامنی را به همراه دارد. زمانی که صلح آثار و نتایج بهتر از جنگ داشته باشد، بدون شک یکی از عوامل ترجیح آن، برقراری امنیّت است. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر به این غایت صلح اشاره می‌کند:«فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْناً لِبِلَادِك»(همان، نامه۵۳). صلح، باعث امنیّت در جامعه می‌شود. بی‌شک، امنیّت اجتماعی آثار فراوانی در جامعه دارد که جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و سلامت اجتماعی از مهم‌ترین آنها خواهد بود.

۳-۳-۲. آرامش اجتماعی

از دیگر آثار صلح در بُعد اجتماعی، آرامش اجتماعی است که اخصٍّ از امنیّت اجتماعی قلمداد می‌شود. پیامد مهم صلح، تأمین آرامش در جامعه است. امکان دارد در زمان جنگ در مناطقی که درگیر جنگ نیستند امنیّت برقرار باشد اما آرامش نباشد؛ زیرا جنگ در ذات خود ناآرامی و استرس به همراه دارد؛ ترس از حمله دشمن، ترس از قحطی و ...که ممکن است دامن‌گیر افراد جامعه شود. از سوی دیگر، به لحاظ روان‌شناختی، نبود آرامش در جامعه به معنای بروز بیماری‌های روانی است که روح و روان انسان را خدشه دار می‌کند و آسیب‌های متعدد به وجود می‌آورد. بر همین اساس، امام علی (ع) در یک اصل کلی خطاب به مالک اشتر، به این غایت صلح که رهایی از همّ و غم و رسیدن به آرامش است، اشاره می کند و می فرماید:« فَإِنَّ فِی الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِکَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِکَ»(همان) زمانی که صلح باشد و جنگی در کار نباشد، زمامدار که به هنگام جنگ تمام فکرش متوجه برنامه‌های آن می‌شود از این افکار آزاردهنده راحت می‌گردد و به سایر امور می‌پردازد و مردم هم احساس امنیّت می‌کنند و به پیشبرد کارهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی می‌پردازند.(مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ج۱۱/۱۱۰). آرامش اجتماعی در صلح فقط متوجه زمامداران جامعه نمی‌شود بلکه مردم نیز در آن جامعه آرامش پیدا می‌کنند و فارغ از دغدغه های جنگ به زندگی خود می پردازند.

۳-۳-۳. تقویت اتّحاد و انسجام و دوری از تفرقه

در یک تقسیم بندی می توان جنگ‌ها را به دو قسم داخلی و خارجی تقسیم نمود و در این دو قسم، جنگ اقوام، مذاهب و دولت‌ها با یکدیگر متصور است. وجه مشترک تمام جنگ‌ها با تمامی علل شکل‌گیری آن، ایجاد تفرقه است. غایت صلح در این زمینه تقویت اتحاد و دوری از تفرقه است؛ که این اتحاد و انسجام در تمام سطوح آن قابل تحقّق است، اتحاد میان اقوام، مذاهب، اتحاد در سطوح مختلف جامعه، اتحاد در میان کشورها و غیره، به همین جهت امام علی (ع) در عصر خود تمام تلاش خود را انجام می‌دادند تا این اتّحاد در جامعه اسلامی خدشه‌دار نشود.

زمانی که از طلحه و زبیر بیعت می‌ستاند، از آنان می‌خواهد که در امور مسلمانان فسادافکنی نکنند.(مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۹). به همین جهت، یکی از پیامدهای جنگ لغو و بیهوده، برهم زدن اتحاد و انسجام است. در اندیشه امام علی (ع)، هر نوع تفرقه‌افکنی و جداشدن از صفوف مسلمانان بهره برداری شیطان است و منادی عمل تفرقه انگیز بسان گوسفندی است که از گله دور شده است:«فَإِنَّ یَدَ اللَّهِ [عَلَی] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَ إِیَّاکُمْ وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّیْطَانِ کَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۲۷)

امام علی(ع)، مردم را از تفرقه و جدایی به شدت نهی می‌نماید و سنّت خداوند را بر این مبنا عنوان می‌کند که در تفرقه و جدایی خیری قرار نداده است:«فَإِیَّاکُمْ وَ التَّلَوُّنَ فِی دِینِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِیمَا تَکْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَیْرٌ

مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَداً بِفُرْقَةٍ خَيْراً مِمَّنْ مَضَى وَ لَا مِمَّنْ بَقِي»(همان: خطبه۱۷۶). علت تأکید بر این مطلب، آثار والای دنیوی و اخروی است که در اتّحاد و یکپارچگی قرار دارد، که در آموزه های دینی بر آن تاکید شده است(نک:کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲ /۳۴۶ ؛ صدوق، ۱۳۷۶ق: ج۲ /۴۶). در همین زمینه، عواقب ناگوار و زیانباری برای تفرقه و دشمنی بیان شده است.(نک : کلینی، ۱۳۶۲: ج۲ / ۳۴۶ ؛دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۹) امام علی (ع) در آخرین وصیت خود بر تقویت اتحاد و انسجام و دوری از تفرقه تأکید می نماید و این مطلب را از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند که:«اصلاح اختلافها، از تمامی نمازها و روزه‌ها برتر است.»(شریف رضی،۱۴۱۴ق: وصیت۴۷). شاید علّت ترجیح اصلاح اختلافات بر نماز و روزه این باشد که اگر در جامعه‌ای اختلاف زیاد شد و تفرقه و ازهم‌گسیختگی حکم‌فرما گردید، زمینه نابودی آموزه‌های دینی از جمله نماز و روزه نیز فراهم می‌شود. به عبارتی اختلاف، کار را به آنجا می رساند که از نماز و روزه نیز اثری نماند؛ بنابراین اصلاح اختلاف، از نماز و روزه ها برتر است. این رهاورد صلح در سطح خُرد و کلان کاربرد دارد و می‌توان از آن در زمینه رفع دشمنی‌ها و رسیدن به اتحاد بهره برد، حتی در سطح خانواده نیز صلح می تواند به بهبود مشکلات خانوادگی و رسیدن به تفاهم کمک نمود، همچنان که در قرآن(نساء/۱۲۸) نیز بر این مطلب تصریح شده است. بنابراین همان گونه که جنگ و دشمنی می‌تواند در تمام سطوح خُرد و کلان خود به ایجاد تفرقه و جدایی منجر شود، در نقطه مقابل آن صلح وجود دارد که می‌تواند زمینه انسجام و اتحاد را به دنبال داشته باشد، همچنان‌که می‌توان از آن به عنوان عاملی در جهت رفع اختلافات و رسیدن به تفاهم بهره برد.

۳-۴. رویکرد نظامی

بدون شک یکی از مهمترین ارکان حفاظت هر جامعه ای از تجاوزات دشمنان و مقابله با آنان، نیروی نظامی است. اهمیّت نیروی نظامی تا بدآنجاست که می‌توان گفت، شرایط صلح و جنگ بستگی به آن دارد زیرا نبود نیروی نظامی کارآمد در جامعه‌ای جنگ و صلح را بی معنا می‌کند، بلکه دشمنان جامعه را با قدرت تمام به پیروزی و فتح می رساند. در آموزه‌های امام علی (ع)، به اهمیّت این گروه در حفاظت از مرزها و امنیّت جامعه اسلامی اشاره شده است؛ امام علی (ع) در این باره می فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوُلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِم»(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه۵۳). امام(ع) نیروی نظامی را عزت دین و عامل امنیت عنوان می‌کند. بنابراین، وجود نیروی نظامی کارآمد از لوازم لاینفک جامعه اسلامی است. مقوله صلح در شرایطی می‌تواند به تقویت نیروی نظامی و ترمیم آن در شرایط جنگ کمک کند. بر این اساس، در آموزه‌های امام علی(ع)، یکی از اهداف غایی صلح در زمینه نیروی نظامی، آسایش لشکریان و فراخور آن تقویت آنان است؛ امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر در این‌باره می فرماید: «فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِكَ»(همان: نامه۵۳). صلح، عاملی برای آسایش و تقویت لشکریان است؛ یعنی اگر در شرایط نیروی نظامی کشور نیاز به ترمیم داشته و صلح

بر جنگ ارجحیت داشت، پذیرفتن صلح مزایایی خواهد داشت که در جنگ نخواهد بود. به همین دلیل، در حیطه نظامی نیز صلح موجبات تقویت و ترمیم نیروهای جامعه را خواهد داشت.

۴. سیره امام علی (ع) و گفتمان صلح در جهان معاصر

گفتمان صلح و حقوق بشر اسلامی در عصر حاضر، بیش از پیش حائز اهمیّت است. توجه به آموزه‌های علوی در این باره و تبیین و نهادینه سازی آن در سطح خرد و کلان می‌تواند نتایج موثر و مفیدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. در این‌باره، سه راهبرد مهم قابل توجه است:

۴-۱. تبیین صحیح آموزه‌های اسلام درباره صلح و انسان‌دوستی در عرصه جهانی

حقوق بشر یکی از مباحث مهمّی است که در عرصه بین‌الملل در جهان امروز مطرح است و قوانین و ضوابطی در عرصه بین‌الملل و سازمان‌های مرتبط با آن برای این موضوع وضع شده است. فارغ از بررسی نقادانه این مطلب و عدم تحقّق عملی شعار حقوق بشر، گفتمان صلح و راهکارهای تحقّق آن، یکی از نیازهای انسان معاصر است. مهم‌ترین اقدام درباره صلح و حقوق بشر در این زمینه، تبیین و ترویج گفتمان صلح اسلام در عرصه بین‌المللی است. با بروز فرقه های انحرافی به نام اسلام و ترویج اسلام‌هراسی در سطح گسترده، نگاه منفی به مسلمانان در جهان افزایش پیدا کرده است. به باور برخی از تحلیل‌گران، نحوه بازنمایی اسلام در رسانه‌های غربی یکی از عوامل تشدید اسلام‌هراسی در کشورهای غربی بوده است.(Allen, 2001). تبیین سیره امام علی (ع) در حوزه حقوق بشر می‌تواند به معرفی صحیح اسلام و رفع شبهات کمک کند. با توجه به پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، امروزه جهان به یک دهکده جهانی تبدیل شده است. ما می‌توانیم از این فرصت استفاده کرده و با معرفی ابعاد انسانی اسلام، به ویژه سیره امام علی (ع)، بسیاری را به سوی این دین جذب کنیم چنان‌که معصومان (ع) بر این مطلب تاکید نموده اند: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»(صدوق، ۱۳۷۸ق: ج۱/ ۳۰۷). در زمینه حقوق بشر و گفتمان صلح نیز مطالب ارزشمندی برای ارائه وجود دارد؛ علاوه بر مباحث پیش‌گفته درباره رهاوردهای صلح و انسان دوستی، موارد متعددی در ارتباط با حقوق بشر و کرامت انسانی در آموزه های امام علی(ع) بیان شده است از جمله: توجه به کرامت و ارزش‌های انسان‌ها با هر مذهب و مسلکی(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نامه ۵۳) ؛ برابری انسان‌ها در خلقت یکپارچه(همان: نامه ۵۳) ؛ نهی از تعدی به حقوق انسان‌ها و لزوم حفاظت از آن(همان: خطبه ۲۷) ؛ حفظ کرامت انسانی و عدم خدشه دار کردن آن(همان: نامه ۵۱) و آزادگی انسان‌ها و لزوم رهایی آنان از یوغ بردگی و اسارت(همان: نامه۳۱)، از جمله مواردی است که پیرامون حقوق بشر و مبانی انسان‌شناسی صلح در سیره امام علی (ع) به آن اشاره شده است. تبیین این موارد در عرصه بین الملل، جذب انسان های آزاد اندیشی چون جرج جرداق مسیحی را فراهم می‌کند که از دریای فضایل امیرمؤمنان(ع) صدای عدالت و انسانیت آن را به زبان و مسلک خود به گوش جهانیان برسانند. بنابراین تلاش همه جانبه در

تبیین گفتمان صلح و حقوق بشر با تکیه بر سیره امام علی (ع) رهاوردهای ترویجی و تبیینی در عرصه بین‌الملل به همراه خواهد داشت.

۴-۲. تشکیل کارگروه صلح در جوامع اسلامی

یکی از مهم‌ترین رویکردهای استعمار و استکبار در غلبه به کشورهای اسلامی ایجاد تفرقه و جنگ میان مسلمانان و اقوام مختلف است؛ جمله معروف: "تفرقه بینداز و حکومت کن"[1] یا "تقسیم کن و غلبه کن"[2]، از محورهای کلیدی استکبار و استعمار در چند قرن اخیر بوده است. در مستندات و اذعانات جاسوسان کشورهای استعماری، یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها در کشورهای اسلامی، تفرقه‌اندازی و تقویت فرقه‌ها بیان شده است.(کولمن، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۴). گفتمان صلح در جوامع اسلامی و نهی هر گونه اختلاف و تفرقه‌افکنی حائز اهمیّت است. گفتمان صلح و نهی از جنگ، به گونه‌ای نهادینه شود که جامعه جهانی، جهان اسلام را در این زمینه الگو قرار دهد نه آن‌گونه که تفرقه و جنگ در جهان اسلام بیش از دیگران باشد. تشکیل کارگروه‌های وحدت و اخوت در سایه اشتراکات، حل اختلافات در سایه جدال احسن و رویکرد علمی، تبیین آموزه‌های دین اسلام در این باره از مهم‌ترین مواردی است که می‌تواند در این زمینه موثر باشد. نص صریح قرآن، بر اخوت و برادری میان مومنان دلالت دارد و بر ایجاد صلح و اصلاح میان آنان تأکید می نماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»(حجرات/۱۰). دستور صریح قرآن در این باره بر نفی جنگ و برقراری صلح بین گروه مؤمنان است که به هر دلیل با یکدیگر وارد جنگ شده اند: «وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما فَإِنْ بَغَتْ إِحْداهُما عَلَى الْأُخْرى فَقاتِلُوا الَّتي تَبْغي حَتَّى تَفيءَ إِلى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطين»(حجرات/۹). در آموزه های نبوی(ص) و علوی(ع) نیز موارد متعددی جهت تحقق وحدت و صلح میان مسلمانان بیان شده است. آن چه در سیره امام علی(ع) در این مقاله پیرامون صلح بیان شد، گویای این مطلب است و بر آن تأکید دارد. جهان اسلام در عصر حاضر نیاز مبرم به گفتمان‌های صلح و تشکیل سازمان مرتبط با آن در این رابطه دارد. پی‌گیری ایجاد سازمان صلح و اخوت اسلامی در این باره و وضع قوانین منسجم درباره آن می‌تواند به عنوان ابزاری محکم در مقابل هرگونه انحراف در این جوامع باشد و به ایجاد صلح و وحدت کمک شایانی نماید. آن چه در رویکرد علمی پیرامون این مطلب حائز اهمیّت است، برگزاری نشست‌ها و گفتمان‌ها میان مذاهب و اقوام است که با ایجاد رویه مشترک و ترسیم شاکله آن می‌توان به تقویت صلح و وحدت کمک نمود.

1. divide et imperia .
2. divide and conquer.

۴-۳. زمینه‌سازی برای گفتمان صلح اسلامی در سطح بین‌الملل

یکی دیگر از اقدامات مهم در ارتباط با صلح اسلامی، نهادینه‌سازی فرهنگ صلح و انسان دوستی در جامعه جهانی است. اقدام مهم در این راهبرد، تبیین رهاوردهای صلح و انسان‌دوستی و نفی و نهی از جنگ در جامعه جهانی است. بدون شک، جنگ در قالب‌های متعدد خود، زیان‌های فراوانی در کل جهان برجا می‌گذارد. تاکید بر گفتمان صلح با تکیه بر فرهنگ علوی و آموزه‌های اسلامی، می‌تواند در این زمینه موثر باشد. جرج جرداق مسیحی در کتاب ارزشمند خود، به این مطلب و غایت صلح اشاره می‌کند؛ که این رهاورد صلح، به سود تمامی انسان‌ها با هر مذهب و مسلکی است؛ وی در این باره می‌نویسد: «در مذهب علی(ع)؛ مهر و مودت، نعمت هستی برای مردم است و در آن هنگام که از صلح و دوستی سخن می‌گوید، بر زبان وی جاری می‌شود. او می‌فرماید: "خداوند، پیوند دوستی را بین آنها تحکیم بخشید، که در سایه آن راه می‌روند و در پناه آن به سر می‌برند و آن، نعمتی است که هیچ کس ارزش آن را نمی‌داند زیرا قیمت آن، از هر چیزِ مهم و گران‌بهائی، بالاتر و گران‌بهاتر است." پس اگر صلح در بین ملت‌ها، موجب این چنین نعمتی گردد، مردم برای چه با همدیگر کینه و دشمنی می‌ورزند و از یکدیگر می‌گریزند؟ به این سخن گرم که از قلب علی بیرون می‌آید، گوش کنید: "ای انسان چه چیز تو را به تباه کردن و نابود ساختن خویشتن مانوس ساخته است؟ آیا از این خواب بیدار نخواهی شد؟"»(جرداق، ۱۳۷۹: ۴۰۹). در آموزه‌های اسلامی، مطالب ارزشمندی درباره صلح و انسان‌دوستی و راهکارهای تحقق آن وجود دارد که تبیین آن می‌تواند عامل مهمی در نهادینه‌سازی فرهنگ صلح در جامعه جهانی باشد. این آموزه ها به اندازه‌ای موثر بوده‌اند که برخی از سیاستمداران کشورهای غیر اسلامی، به این مطالب ارزشمند در جهت تحقق صلح و نفی جنگ استناد می‌کنند.[۱] مهم‌ترین اقداماتی که می‌تواند در تقویت صلح جهانی و گفتمان صلح اسلامی در جامعه جهانی موثر باشد، عبارت‌اند از: وضع قوانین و راهکارهای تحقق صلح در سازمان ملل با توجه به آموزه‌های علوی، تشکیل کارگروه اجرائی صلح و انسان‌دوستی، برگزاری گفتمان‌های بین‌المللی درباره صلح و تبیین رهاوردهای آن در عصر حاضر و بهره‌گیری از رسانه‌های متعدد در تبلیغ و ترویج این مهم، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به تحقق این امر کمک کند.

نتیجه

بر اساس مطالب پیش گفته مهم ترین رهیافت‌های مقاله را می توان در موارد زیر فهرست نمود:

۱. جنگ و صلح، دو روی یک سکه هستند. در اسلام، هر دوی این مفاهیم با توجه به شرایط خاص خود جایگاهی دارند. هم جنگ و هم صلح می‌توانند نتایج مهمی به همراه داشته باشند. در سیره امام علی (ع)

---

۱. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در نشست سه جانبه آنکارا (۱۶سپتامر ۲۰۱۹) برای حل بحران جنگ عربستان و یمن به آیات قرآن درباره صلح و نفی خشونت و ایجاد برادری استناد نمود.(https://www.farsnews.com/news)

نیز شاهدیم که ایشان از هر دو ابزار برای هدایت و سعادت انسان‌ها استفاده می‌کردند گرچه اولویت با صلح است.

۲. در سیره امام علی (ع)، برای صلح رهاوردهای غائی متعددی بیان شده است؛ رهاورد معرفتی، هدایتی، اجتماعی و نظامی از مهم‌ترین رویکردهای غائی صلح در اندیشه امام علی (ع) است. از نظر امام علی (ع)، صلح و ترجیح آن بر جنگ باید برای رضای خداوند باشد؛ تحلیل فقه‌الحدیثی از رضایت خداوند در این حدیث، این مطلب را بیان می‌دارد که اگر صلح به سود اسلام و مسلمانان بوده و مانع از خونریزی و جنگِ بیهوده باشد، مورد رضایت خداوند است. واکاوی جنگ‌های تحمیلی بر امام علی (ع)، با عناوین: جمل، صفّین و نهروان؛ رویکرد هدایتی صلح در سیره امیرمؤمنان(ع) را هویدا می‌نماید. اتمام حجّت امام علی (ع) بر هر سه گروه ناکثین، قاسطین و مارقین و تلاش برای هدایت آنان و به تأخیر انداختن جنگ و عدم آغاز آن، حاکی از این مهم است. امام علی (ع) از راه‌های مختلف تلاش می‌نمودند تا مخالفان راه حق و حقیقت را بیابند و از شکل‌گیری جنگ خودداری نمایند؛ اصل هدایتی، مهم‌ترین غایت در سیره امام علی (ع) در ترجیح صلح بر جنگ است.

۳. بررسی نامهٔ امام علی (ع) به مالک اشتر و دیگر موارد، حاکی از این است که صلح در شرایط و ضوابط خود می‌تواند در حیطه اجتماعی و جامعه، سه راهبردِ: امنیّت و آرامش اجتماعی، تقویت اتحاد و اجتناب از تفرقه را به ارمغان بیاورد؛ همچنان‌که در رویکرد نظامی نیز علاوه بر آسایش نظامیان، به تقویت آنها و پرهیز از کُشت و کشتار کمک می‌کند.

۴. تبیین گفتمان صلح با تکیه بر سیره علوی در عصر حاضر، علاوه بر تقویت صلح و جلوگیری از بروز جنگ‌های بیهوده می‌تواند به معرفی چهره اسلام در زمینه حقوق‌بشر و صلح و انسان‌دوستی کمک نماید و خط بطلانی بر چهره مخرب گروه‌های انحرافی در جهان اسلام بکشد، همچنان‌که غایت تبیین سیره امام علی (ع)، موجبات جذب انسان‌های آزاداندیش به فرهنگ اسلامی را فراهم نماید و می‌تواند نقطه‌ای عطف در فرهنگ‌سازیِ فزون‌ترِ صلح در جامعه جهانی باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ابی الحدید، هبهٔ الله، بی تا، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

۳. ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، ۱۴۰۶ق، *الفتوح*، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.

۴. ابن قتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم، ۱۴۱۰ق، *الامامه و السیاسه*، بیروت، دارالاضواء.

۵. برزونی، محمدعلی، ۱۳۸۴ش، اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟، مجله حقوقی، شماره۳۳.

۶. پهلوان، منصور، احمدی آشتیانی، فرهاد، ۱۳۹۵، *اخلاق در جهاد از دیدگاه امام علی(ع)*، فصلنامه النهج، شماره۴۹.

۷. جرداق، جرج، ۱۳۷۹، *امام علی(ع) صدای عدالت و انسانیت*، ترجمه: هادی خسرو شاهی، تهران، فراهانی.

۸. حرعاملی، محمدحسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعهٔ إلی تحصیل مسائل الشریعهٔ*، قم، آل البیت.
۹. دیلمی، حسن بن علی، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
۱۰. شریف رضی، محمد بن حسین،۱۴۱۴ق، نهج البلاغهٔ، قم، منشورات هجرت.
۱۱. شیردل، معصومه، فتاحی زاده، فتحیه، جانی پور، محمد،۱۳۹۶، *رفتارشناسی امام علی(ع) با اولین مخالفان داخلی حکومت اسلامی*، پژوهشنامه علوی، سال هشتم، شماره دوم.
۱۲. صدوق، محمد بن بابویه،۱۳۶۲ق، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، محمد بن بابویه،۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا(ع)*، تهران، نشر جهان.
۱۴. فرخی، میثم، احمدی، بتول،۱۳۹۶، *الگوی ارتباط با مخالفان در دوران حکومت امام علی(ع)*، پژوهشنامه علوی، سال هشتم، شماره دوم.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب،۱۳۶۲، *الکافی*، تهران، اسلامیه.
۱۶. کولمن، جان،۱۳۷۵، *کمیته ۳۰۰ کانون توطئه های جهانی*، ترجمه: یحیی شمس، تهران، انتشارات فاخته.
۱۷. گل محمدی، محمدتقی،۱۳۹۶، *سبک تعامل امام علی(ع) با اقلیت های مذهبی*، پژوهش های نهج البلاغه، سال شانزدهم، شماره۵۵.
۱۸. مطهری، مرتضی،۱۳۶۷، *سیری در سیره ائمه اطهار(ع)*، تهران، صدرا.
۱۹. مفید، محمد بن محمد،۱۴۱۳ق، *الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر،۱۳۶۸، *پیام امام امیر المومنین علیه السلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. نقی زاده اکبری، علی، حسینی فاضل، سید مرتضی،۱۳۹۲، *اصالت جنگ یا صلح از منظر دین*، پژوهش های اسلامی، سال اول، شماره اول.

21.Allen, C. 2001. **Islamophobia in the media since September 11. Exploring Islamophobia: Depening our understanding of Islam and Muslim**. University of Westminster, 29.

22- https://www.farsnews.com. خبرگزاری فارس